

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آندره شامی - par André Chamy

برگردان از: حمید محوی

۱۸ جنوری ۲۰۱۶

تحریف جدید رسانه ئی در منطقه مضایا

Madaya : une nouvelle manipulation médiatique

در حالی که حزب الله منطقه مضایا (منطقه مسکونی در منطقه الزیدانی در ۴۰ کیلومتری شمال غربی دمشق) را به محاصره خود در آورده، به شهروندان اجازه عبور و مرور می دهد ولی از خروج ۶۰۰ مبارزی که به القاعده و احرار الشام تعلق دارند جلوگیری می کند، به همین علت عربستان سعودی و قطر برای مقابله با محاصره این شهر اردوی تبلیغاتی تحریف آمیزی را راه اندازی کرده است. به گزارش سازمان پزشکی جهانی، ۲۳ نفر از گرسنگی درگذشته اند. ولی بر اساس گفته های ساکنان اردوگاه یرموک، جهاد طلبان کمک های مرتبط به مواد غذایی را تصاحب کرده و به بهای گزافی می فروشند. دولت سوریه ارسال کمک های بشر دوستانه را مشروط به دسترسی به مکان هائی ساخت که در محاصره جهاد طلبان است یعنی فوعه و کفریا. سرانجام، توافقاتی صورت گرفت و نفوذ سازمان ملل متحد در سه شهر را ممکن ساخت. حزب الله این رویدادها را از راه تلویزیون المنار پوشش داد و ادامه سم پاشی رسانه ئی را ناممکن ساخت. ساکنان در مصاحبه با شبکه اصرار داشتند که کمک ها مستقیماً به خود آنها تحویل داده شود. آندره شامی در اینجا به این دوران از جنگ رسانه ئی می پردازد که می خواهند حزب الله و جمهوری عرب سوریه را به شکلی جلوه دهند که گوئی به مردم گرسنگی می دهند.

شبکه ولتر / پاریس (فرانسه) / ۱۲ جنوری ۲۰۱۶



جنگ رسانه‌ی در سوریه ادامه دارد. در اینجا، یک گروه چهل نفره از اعضای ارتش اسلامی (جیش الاسلام) رئیس جمهور قانونی سوریه بشار اسد را که به شکل دموکراتیک برگزیده شده و مقاومت لبنان را به جرم تحمیل گرسنگی به ۴۰۰۰۰ سوری در مضایا متهم دانسته اند.

مقدمات

جنگ در سوریه همواره زمینه‌ای برای جنگ رسانه‌ی بوده که با شدت استثنائی و با بی‌شرمی ادامه دارد. ما تا کنون شاهد تمام ستراتیژی‌های بودیم که براسستی می‌تواند شایسته فردی مثل گوبلز در دوران جدید باشد.

در اینجا می‌بایستی از بر پا شدن آن چیزی که به «بهار سوریه» شهرت دارد یاد کنیم، که نچندان بر حسب «اتفاق» هر جمعه پس از نماز ظهر سنی‌ها به راه می‌افتاد در حالی که هیچ نشانی از پیش درآمد هیچ جنبشی یا تظاهراتی در هیچ شهری وجود نداشت.

رسانه‌ها این اطلاعات را گزارش می‌کردند و همیشه آنجا بودند تا تصاویر را پخش کنند و مصاحبه با تظاهرکنندگان را به اطلاع عموم برسانند که با خشم فریاد می‌کشیدند و بی‌هیچ تفکیکی علیه دولت، ارتش، نیروهای امنیتی و به همین مناسبت علیه علوی‌ها، دروزها، سگ‌های مسیحی و علیه خانواده اسد شعار می‌دادند! زاویه دید دوربین به این هدف انتخاب و تنظیم شده بود تا بیننده را متقاعد سازد که گویی توده‌های عظیم مردم خواهان ایجاد تحول اساسی هستند، ولی درواقع ویدئوها به خارج فرستاده می‌شد تا با مونتاژ و دست‌کاری‌های فنی در اینترنت و تلویزیون‌های سر تا سر جهان پخش گردد.

حتی پیش از نخستین تظاهرات در سوریه، بیش از هزار تلفون ماهواره‌ی وارد کشور کرده بودند و بین افرادی که برای استفاده از آن آموزش دیده بودند، پخش شده بود. برای تمام این تمهیدات دست کم یک میلیون دالر بودجه اختصاص داده بودند، یعنی چیزی که در بضاعت فعالان جوان سایبری سازمان نیافته نبود.

ویدئوهای مرتبط به سوریه از همان آغاز با آرم مشخص منتشر می‌شد، شام (نام تاریخی سوریه) به همین مناسبت طراحی شده بود. فعالان سایبری در هماهنگی جمعی کار می‌کردند. وقتی از فعالان سایبری در مورد بودجه آن‌ها می‌پرسیدند، هر یک مثل دیگری پاسخ می‌دادند: فرد بازرگانی که در خارج به سر می‌برد و به دلیل امنیتی می‌خواهد ناشناس باقی بماند. (۱)

تمام گزارش‌ها از شبکه‌های کشورهای خلیج (فارس) به ویژه شبکه مشهور قطری الجزیره و شبکه سعودی العربیه با همکاری یک شبکه دیگر به نام بردی (۲) پخش می‌شد که این آخری در لندن مستقر بود و البته خلاف دو شبکه دیگر از شهرت خاصی برخوردار نبود. این شبکه پیوندهایش را با جنبش برای عدالت و توسعه پنهان نمی‌کرد، شبکه‌ای از مخالفان سوری که طی پنج سال گذشته تا پیش از آغاز بحران در سوریه بیش از شش میلیون دالر از وزارت امور خارجه ایالات متحده، بودجه دریافت کرده بود.

به گزارش واشنگتن پست، با تکیه به تلگرام‌های دیپلماتیک منتشر شده توسط ویکیلیکس، مخالفان سوری از سال ۲۰۰۵ تأمین مالی می‌شدند. این کمک‌های مالی در دوران اوباما ادامه یافت (۳).

تصاویر و مصاحبات تخیلی که این شبکه‌ها می‌ساختند در هر فرصتی توسط شبکه‌های خبری پخش می‌شد. تارگیتی گستر اینترنت بقیه کارها را برای پخش مجموعه‌ای از اطلاعات تأیید نشده و تحلیل نشده را انجام می‌داد.

به یاد آوریم که پس از فروپاشی دیوار برلین، همین روش‌ها با موفقیت تمام در کوران آنچیزی که انقلاب رنگی می‌نامند به آزمون گذاشته شده بود. تمام این انقلاب‌ها بر اساس بسیج جوانان فعال محلی و طرفدار غرب صورت گرفت،

کامی گانگloff (۴) Camille Gangloff گزارش فوق‌العاده‌ای برای تلویزیون توسط مانون لوازو Manon Loizeau و میلوس کریوکاپیک (۵) Milos Krivokapic تهیه کرد و طرح عملیاتی این قیام‌ها را نشان داد و به دقت نشان داد که ایالات متحده آمریکا همواره سرخ را به دست داشته است.

همین روش‌ها و شگردها در مصر نیز به کار بسته شد، موضوعی که اسناد آن توسط ویکیلیکس افشاء شد، به ویژه سند «درخواست امداد رسانی برای ترمیم دسترسی وبلاگ نویسان مصری به یوتوب» (۶) و «مبارزان، وبلاگ نویسان در تلاش برای دیدار از نجع حمادی بازداشت شدند» (۷) که به روشنی مداخله سفارت ایالات متحده در قاهره را اثبات می‌کند. همین جریان‌ها در رابطه با رابرت فورد Robert Ford سفیر ایالات متحده در سوریه در آغاز بحران مشاهده شده است.

این عملیات تحریف‌نگاری «Freedom of Internet» (آزادی اینترنت) نامیده شده بود، و عبارت است از پی‌گیری و تقویت پخش نرم افزارهایی که برای مخالفان رمز گذاری پیغامهایشان را ممکن سازد و سامانه‌های کنترول را دور بزنند (۸).

اردوی پخش تحریف رسانه‌ئی طبیعتاً از راه سازمان‌های غیر دولتی "NGO" با پشتیبانی مالی واشنگتن ادامه و گسترش یافت و بر این اساس به روشنفکران جوان خاور نزدیک و خاورمیانه اجازه داد تا در اشکال مجازی با یک دیگر ملاقات کنند و به بحث و مذاکره بپردازند و با وجود موانع دولتی گردهمائی تشکیل دهند (۹).

سم پاشی به موازات پیغام‌هائی صورت می‌گرفت که انجمن‌های به اصطلاح شورشی را پر کرده بود، و تماماً در دفاتر آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا تهیه شده بود تا در اذهان مخالفان واقعی این توهم را دامن بزند که گوئی به جنبش بزرگی تعلق دارند و به زودی در موج عظیم اعتراضی خود رژیم را از بین خواهد برد.

دومین مرحله «A Way to reality» (راهی به سوی واقعیت) می‌بایستی به ایجاد ابزارهایی بینجامد تا بتواند اعتراضات مطرح شده را به انجمن‌های مختلف و تظاهرات واقعی انتقال دهد. این مرحله حساسترین نقطه در تمام عملیات دومینو Domino بود، زیرا نمی‌توانستند به قیام همزمان مردم تحت ستم تکیه کنند، به همین علت تمام انقلاب‌های دیگر می‌بایستی عناصری از خارج نفوذ می‌کردند و به انبار باروت آتش می‌زدند.

بر این اساس می‌بایستی اعضای پاره وقتی ویژه سازمان سیا را فرامی‌خواندند که متخصص نفوذ در فضاها و دشمن هستند، ولی رسماً به سازمان سیا تعلق ندارند و علاوه بر این غالباً ملیت آمریکائی نیز ندارند، این افراد از پیش برای انجام عملیات تحریک آمیز در مناطق شهری و تشویق توده‌ها در تظاهرات آموزش می‌بینند (۱۰).

علاوه بر این، برای حفظ راز عملیات، ضروری بود که تنها از ملیت‌های دیگر استخدام کنند، و یارگیری مقدماتی می‌بایستی از خود ایالات متحده و از بین پناهندگان کشورهای هدف گیری شده در عملیات دومینو شروع می‌شد. می‌بایستی آن‌ها را آموزش می‌دادند و پس از دوره آمادگی برای انجام مأموریت حساس مخفیانه به کشور خودشان گسیل می‌کردند. طی مرحله آماده سازی می‌بایستی از استخدام افراد شناخته شده بین مخالفان اجتناب می‌کردند زیرا به دلیل شهرت خاصی که در کشور خودشان داشتند فوراً بازداشت می‌شدند.

روشن است، از آنجائی که روزنامه نگاران و فعالان پاره وقتی که حداکثر خطرات را باید متحمل می‌شدند، می‌بایستی برای برطرف ساختن ترس و بیم آنها به اندازه کافی بودجه پیشبینی می‌کردند.

آخرین بخش عملیات، راحت‌ترین بخش «The Recolt» (فصل درو) نامیده شده بود که عبارت بود از حفظ و تداوم شور و شوق مردم در پسا آغاز شورش و حتی اگر ضرورتی در کار بیفتد، تحویل اسلحه به تظاهر کنندگان و همزمان

تدارک اردوی تبلیغاتی و تحریف خبری علیه رژیم حاکم برای تشدید خشم عمومی و تحریک واکنش منفی از سوی جامعه بین الملل.

تحریف بی حد و مرز

این عملیاتی که به دقت تنظیم شده بود هیچ جای تخفیفی برای سوری ها باقی نگذاشت، ابتداء صحنه ای بود که می بایستی سربازان سوری را نشان دهد که روی تظاهرات صلح آمیز و افراد بی سلاح تیراندازی می کنند، این تصویر به ویژه توسط سفیر وقت ایالات متحده در دمشق "رابرت فورد" به شکل کالا در معرض فروش گذاشته شد. سپس تصاویر مردان مسلحی را منتشر کردند که در حال ارتکاب به خشونت علیه سربازان سوری هستند و هدف از این تصاویر نیز انتقام مردم از درّخیمان بود

شده می آن شکل خاص توجی ن وی به ای هر قتل. ماشین هائی که با مواد منفجره دام گذاشته می شدند، در محله های مسیحی یا جلو ساختمان های ابتداء به "رژیم" نسبت داده می شد. تمام داستانها حتا نابورترین شان توسط نشرات تأیید می شد می گفتند به چه کار می آید که بدانیم حقیقت چیست، چون که مردم اعلام کرده اند که رئیس جمهور سوریه باید برود.

هر روز مهلت تازه ای برای سقوط او تعیین می کردند که از چند هفته تا حداکثر چند ماه به طول می انجامید!

ضربالمثل رایج می گوید که «دروغ هر اندازه بزرگتر باشد باور کردنش راحت تر است»!

اجساد کشف شده را به سرویس های امنیتی نسبت دادند که گوئی سلاح کیمیائی به کار برده اند، تمام این تحریفات به هدف بی اعتبار جلوه دادن رئیس جمهور اسد و مؤسسات سوری راه اندازی شده بود، در حالی که حالا می دانیم که سرویس های اطلاعاتی ترکیه بودند که در کاربرد سلاح های کیمیائی دست داشتند. (11)

هیچ چیزی این تبلیغات را متوقف نکرد و چون که تمام این تحریفات کفایت نکرده بود، از چند روز پیش رسانه ها وضعیت ساکنان شهر مضایا در سوریه در مرز لبنان را مطرح کردند که گوئی از گرسنگی به حال مرگ افتاده اند... ولی واقعاً چه اتفاقی رخ داده است؟ اخیراً گزارش هائی در مورد کاربرد سلاح های خوشه ئی در یمن منتشر شد که درواقع از دیدگاه بین المللی کاربرد آن ممنوع است، این گزارش ها همراه بود با اعدام شیخ باقر النمر رهبر اپوزیسیون سعودی توسط دربار وهابی، در نتیجه می بایستی با صحنه پردازی به شکل فوری توجه عمومی را از رژیم سعودی به موضوع دیگری منحرف می کردند.

رژیم سعودی فوراً شبکه العربیه را بسیج کرد، که گوئی با اهالی این منطقه تماس گرفته، در حالی که مناطقی که در محاصره دولت اسلامی یا جبهه النصره می باشد کم نیست مثل فوعه و کفریا، نبل و الزهرا...

ناگهان موضوع گرسنگی را مطرح کردند، گرچه ساکنان چیزی در این مورد به هیأت های سازمان ملل متحد که در منطقه حضور دارند نگفته بودند و پیوسته مذاکره برای عبور دادن کامیون های حامل مواد غذایی به مناطق محاصره شده توسط ارتش سوریه یا گروه های مسلح جریان دارد.

علاوه بر این منطقه مضایا در اکتوبر ۲۰۱۵ سی و پنج کامیون حامل کمک های متنوع از طرف سازمان ملل متحد دریافت کرد، ولی سرانجام آشکار شد که جهاد طلبانی که در آنجا فرمانروائی می کنند این کمک ها را در اختیار گرفته تا متعاقباً به بهای گزافی به مردم محل بفروشد. این کمک ها همزمان در چهارچوب توافق با سازمان ملل متحد به مناطقی که در محاصره دولت اسلامی به سر می بردند نیز تحویل داده شده است.

می بایستی شوکی ایجاد می کردند! در نتیجه تصاویر شوک آوری توسط شبکه هائی که مأمور چنین عملیاتی بودند پخش شد. این تصاویر به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

الجزیره در ۵ جنوری ۲۰۱۶ تصاویری از دختر بچه ای منتشر کرد که بر اساس تفسیر منتشر شده، پس از دست دادن بخش مهمی از وزن بدنش در حال مرگ به سر می برد.



این عکس طی مقاله ای در الجزیره منتشر شده که درباره گرسنگی در مضایا گزارش داده است!

ولی باید دانست که یک سال پیش از این شبکه العربیه اعلان کرده بود که این عکس یک دختر بچه سوری در اردن است که در اردوگاه زعتری برای ادامه زندگی آدامس می فروشد (مقاله جنوری ۲۰۱۴)

یک مقاله دیگر در روزنامه انترنتی اردنی به نام الدستور در همان تاریخ نوشته بود که این عکس متعلق به کودکی است که در اردوگاه فلسطینی یرموک در نزدیکی دمشق به سر می برد... سرانجام کشف شد که این صورت زیبا متعلق به یک دختر بچه لبنانی در جنوب لبنان است و هیچ ارتباطی با صورت اسکلتنی در کنار عکس او ندارد.

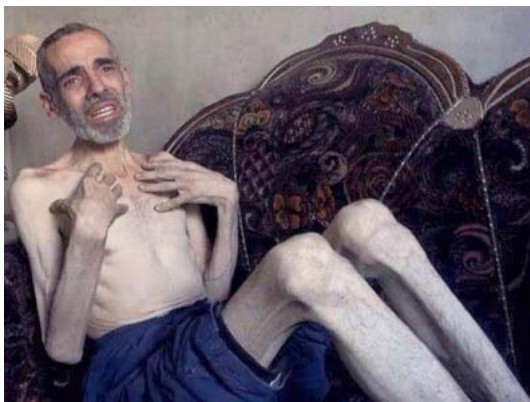


تصویر دیگری توسط الجزیره مرد لاغری را روی پیاده رو نشان می دهد که در حال مرگ است. این عکس را در عین حال نشریات معتبر برای اثبات وجود گرسنگی بین ساکنان مضایا منتشر کردند.

بعداً آشکار شد که این عکس یک فرد معتاد بوده و از یک سایت ایالات متحده آمریکا به نام The Wordrace برداشت شده است.



در مورد زن هفتاد ساله دراز کشیده، در سوریه نیست و آن زن نیز اساساً اهل سوریه نمی باشد، و به بیماری وخیمی دچار بوده است. تصاویر او در میل وان mailone منتشر شده بوده است. این تصاویر پیش از این در توئیتر پیش از محاصره منتشر شده است.



این تصاویر و دهها عکس دیگر نشان می‌دهد که جنگ تصاویر متوقف نشده است. این رسانه‌ها حتی تا تحریف گزارش‌های نماینده صلیب سرخ در سوریه پیش رفتند، در حالی که نماینده صلیب سرخ به روشنی اعلان کرد که نمی‌تواند گزارش منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها را تأیید کند او مشخصاً گفت که مجبور است که تمام گزارش‌های مرتبط به درد و رنج‌های مردم سوریه را جدی بگیرد، چه در مضایا، الفوعه و یا در کفریا. (12) او در

عین حال در مورد این دهکده های محاصره شده توسط جهاد طلبان اظهار نگرانی کرد، زیرا مردم در این مناطق با نبود غذا و دارو روبه رو هستند .

ولی رسانه ها مدعی شده اند که او تأیید کرده است.

این اردوی تبلیغاتی نشان می دهد که تحریف رسانه ئی واقعاً جریان دارد، و همواره با فراخوان برای اعمال خشونت علیه شیعیان و خانواده اسد همراه است.

اردوی بعدی کی خواهد بود ؟ و کی رسانه های غربی بیدار خواهند شد و شهادت آن را خواهند یافت تا بگویند که «برخی از تصاویری که در تار گیتی گستر تنیده شده و در رسانه های مختلف به نمایش عمومی گذاشته شده است، مانند تصاویر مضایا متعلق به رویدادهای اسفناک گذشته است. در نتیجه می توانیم بگوئیم که بخش کوچکی از عکس ها تقلبی بوده مانند عکس های مرتبط به قحطی و گرسنگی در مضایا» (13)

[André Chamy](#)

[1] *Le courrier de l'Atlas*. Septembre 2011. p.44

۲- گزی که از دمشق می به نام رودخانه ا

[3] Sur le financement par la CIA, voir “[U.S. secretly backed Syrian opposition groups, cables released by WikiLeaks show](#)”, The Washington Post, Craig Whitlock, April 17, 2011. Voir les cables de Wikileaks “[Announcement to fund opposition harshly criticized by anti-regime elements, others](#)” (February 21, 2006), “[Behavior reform : next steps for a Human Rights strategy](#)” (April 28, 2009), “[Murky alliances : Muslim Brotherhood, the Movement for Justice and Democracy, and the Damascus Declaration](#)” (July 8, 2009), “[Show us the money ! SARG suspects "illegal" USG funding](#)” (September 23, 2009).

[4] *L'Import-Export de la démocratie : Serbie, Géorgie, Ukraine, Kirghizistan. ONG étrangères et mouvements étudiants*, par Camille Gangloff, L'Harmattan, 2008.

[5] *Comment la C.I.A. prépare les révolutions colorées* diffusé par canal Plus sous le titre *Les États-Unis à la conquête de l'Est*, par Manon Loiseau et Milos Krivokapic, 51 minutes 37 secondes, 2005.

[6] “[Requesting Department assistance to restore Egyptian blogger's YouTube access](#)”, November 18, 2008.

[7] “[Activists, bloggers detained while attempting to visit Naga Hamadi](#)”, January 19, 2010.

[8] *Le Nouvel Observateur* dans un article consacré à l'opposition syrienne cite l'un d'entre eux : « Il n'envoie pas de téléphones satellites Thuraya, trop facilement écoutables, et préfère les Iridium, plus chers mais beaucoup plus sûrs. Pour poster les vidéos sur YouTube, il conseille à ses contacts d'utiliser un logiciel sécurisé : YouSendt. Avec lui, pas de traces

sur votre ordinateur. Si vous êtes arrêté, les Moukhabarat n'y verront que du feu ». « [Syrie : les vidéos de la liberté](#) », Vincent Jauvert, *Le Nouvel Observateur*, 18 mai 2011.

۹- تمام جریان بر اساس « نظریه دومینو » (Théorie des Dominos) سازماندهی شده بود. این ستراتیژی ایالات متحده در قرن بیستم اعلان شد به این معنا که سرنگونی یکی از کشورهای کمونیست به تغییر رژیم در کشورهای همسایه می‌انجامد مثل مهره‌های بازی دومینو که کنار یک دیگر چیده شده‌اند و با افتادن یکی مهره‌ها دیگران نیز یکی پس از دیگری می‌افتند. این نظریه توسط دولت های مختلف ایالات متحده برای توجیه مداخلاتشان در جهان به کار بسته شد. «نظریه دومینو» نخستین بار در ۷ اپریل ۱۹۵۴ توسط رئیس جمهور ژنرال دوايت ديويډ آيزنهاور مطرح شد.

۱۰- به زبان انگلیسی stringer به گزارشگران نشریاتی اطلاق می‌گردد که می‌توانند گزارشگر ساده و یا عکاس و یا روزنامه‌نگار پاره وقتی باشند.

[11] « [La ligne rouge et celle des rats](#) », par Seymour M. Hersh, *London Review of Books* (Royaume-uni), *Réseau Voltaire*, 12 avril 2014.

[12] « [الصليب الأحمر الدولي : لا تأكيد لوجود مجاعة في مضایا ودخلتها مساعدات](#) », *Al-Manar*, 8 janvier 2016.

[13] « [Famine à Madaya : attention aux manipulations](#) », Robin Cornet, RTBF, 8 janvier 2016.

ولتر فنک متن در شبکیل :

<http://www.voltairenet.org/article189862.html>